

خطاهای باهم‌آیی دستوری در نگارش عربی‌آموزان ایرانی
تحلیل أخطاء التلازم النحوي في كتابات متعلمي اللغة العربية من
الناطقين بالفارسية

*An analysis of grammatical collocation
errors in the writings of Iranian Arabic
learners*

ربابه بهلولي

Robabeh Bohlooli

خريجة مرحلة الماجستير في تعليم اللغة العربية بجامعة أصفهان

Master Degree in Arabic Language and Literature, University of Isfahan

سميه كاظمي نجف‌آبادي

Dr. Somayye Kazemi Najaf abadi

أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية بجامعة أصفهان

Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Isfahan

s.kazemi@fagn.ui.ac.ir

الملخص

إن الوقوع في الأخطاء في عملية تعلّم اللغة أمر لا يجتنّب منه، فدراسة الأخطاء اللغوية وتحليلها لدى المتعلمين تلعب دوراً فاعلاً في تحسين عملية التعلّم. ومن هذا المنطلق يسعى هذا البحث إلى دراسة الأخطاء الشائعة المتعلقة بالتلازم النحوي وتحليلها والعوامل والأسباب الفعالة في حدوثها لدى متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية باتّباع المنهج الوصفي التحليلي وبعد جمع مئتي نص مكتوب لطلاب اللغة العربية بجامعة أصفهان وهم في مرحلة البكالوريوس، وتمّت دراسة الأخطاء الشائعة للتلازم النحوي في كتاباتهم وفقاً للتصنيف الذي قدّمه بنسون وزملائه. وقد تمّت دراسة أسباب حدوث

أحاديثه محمد بن عيادي بن عبد الحليم، مكتبة الصفا، الدار البيضاء ٢٠٠٥م.

١٠. العربية والبحث اللغوي المعاصر، د. رشيد العبيدي / بغداد / دار الرشيد / ط ١ / ١٩٨٨ م

١١. علم الدلالة، أحمد مختار عمر / عالم الكتب / القاهرة / ١٩٩٧م.

١٢. في التحليل اللغوي، د. خليل عميرة / عمان / دار حنين / ١٩٩٢ م.

١٣. كتاب سيبويه، أبو بشر عمرو بن عثمان بن قنبر، ١٨٠ هـ تحقيق عبد السلام محمد هارون مكتبة الخانجي، القاهرة.

١٤. الكشف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل جار الله محمود بن عمر الزمخشري ت ٥٣٨ هـ دار المعرفة، بيروت لبنان.

١٥. المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، عبد الحق ابن عطية ت ٥٤١ هـ تحقيق احمد صادق الملاح، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية القاهرة ١٩٧٤

١٦. مبادئ اللسانيات / أحمد محمد مقدور / دار الفكر / دمشق: ٢٠٠٨م.

١٧. مجاز القرآن، أبو عبيدة معمر بن المثنى ت ٢١٤ هـ، عرفه بأصوله وعلق عليه محمد فؤاد سركين، الطبعة الأولى، مكتبة الخانجي، مصر، ١٩٦٢ م.

١٨. المدارس اللسانية في التراث العربي في الدراسات الحديثة، محمد الصغير بناي / تونس / ١٩٩٨م.

١٩. معاني القرآن، الفراء يحيى بن زياد ٢٠٧ هـ، ط ٢، عالم الكتب، بيروت ١٩٨٠ م.

٢٠. معاني القرآن وإعرابه، الزجاج، عالم الكتب، ط ١، بيروت، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨.

٢١. المقتضب، المبرد، تحقيق محمد عبد الخالق عظيمه، عالم الكتب، بيروت، د. ت.

٢٢. مجمع البيان في تفسير القرآن، الطبرسي (أبو علي الفضل بن الحسن ت ٥٤٨ هـ) منشورات شركة المعارف الإسلامية، ١٣٧٩ هـ.

٢٣. المصطلحات المفاتيح في اللسانيات، ماري بريور، ترجمة: عبد القادر فهم الشيباني: تونس ط ٢ / دار الكتب ١٩٨٨

٢٤. مغني اللبيب عن كتب الأعراب، ابن هاشم الأنصاري وبهامشه حاشية الأمير ت ١٢٣٢ هـ، دار إحياء الكتب العربية، عيسى البابي الحلبي، ت.

٢٥. المفردات في غريب إعراب القرآن، الراغب الأصفهاني (أبو القاسم حسين بن محمد ت ٥٠٢ هـ) تحقيق محمد سيد كيلاني، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت د. ت.

٢٦. الميزان في تفسير القرآن، السيد محمد حسين الطباطبائي، ط ٢، طهران. ١٣٩٤ هـ.

٢٧. مناهج البحث اللغوي بين التراث والمعاصرة، د. نعمة رحيم العزاوي/ منشورات المجمع العلمي / ٢٠٠١ م.

الأخطاء ومصادرها في ثلاثة مستويات وهي أخطاء داخل اللغة وأخطاء التداخل اللغوي والأخطاء الغامضة. ومن بين ثلاثة وأربعين خطأ من أخطاء التلازم النحوي التي أزيح الستار عنها في هذه الدراسة، يختص ٦٠٪ من الأخطاء بأخطاء داخل اللغة و ٣٢٪ بأخطاء التداخل اللغوي و ٦٪ بالأخطاء الغامضة. وما يجدر ذكره أن جزءا كبيرا من أخطاء التلازم النحوي في كتابات متعلمي اللغة العربية من الناطقين بالفارسية يتعلّق بخطأ «الفعل + حرف الجر».

المفردات الرئيسية: المتلازمات اللغوية، التلازم النحوي، الأخطاء اللغوية، اللغة العربية.

Abstract

Errors are an inseparable part of the language learning process. Studying and analyzing the linguistic errors of language learners can be beneficial to the improvement of the language teaching process. Accordingly, the present research examined the types of grammatical collocation errors and the factors influencing their occurrence among Iranian Arabic learners. To this end, 200 Arabic texts written by the undergraduate students of the University of Isfahan were collected. Then, taking into account the classification introduced by Benson et al., the grammatical collocation errors were investigated. The causes of these errors were studied in the form of interlingual, intralingual and ambiguous factors. From among the 49 identified grammatical collocation errors, 56% of the errors had an intralingual source, 38% were interlingual, and 6% of them were the ambiguous ones. The results also showed that most of the grammatical collocation errors were related to the collocation error of "verb + preposition".

Keywords: Arabic language, language errors, collocation, grammatical collocation

چکیده

خطاها پدیده‌های جدایی‌ناپذیر در یادگیری زبان هستند. بررسی و تحلیل خطاهای زبانی زبان‌آموزان میتواند در بهبود روند آموزش زبان مؤثر باشد. بر این اساس در پژوهش حاضر، انواع خطاهای باهمایی دستوری و عوامل مؤثر در ایجاد آن نزد عربی‌آموزان ایرانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین منظور ۲۰۰ متن نوشتاری عربی‌آموزان دوره کارشناسی دانشگاه اصفهان جمع‌آوری شد و بر اساس تقسیم‌بندی بنسون و همکاران به بررسی خطاهای باهمایی دستوری پرداخته شد. منشأ این خطاها در قالب سه عامل عمده میان زبانی، درون زبانی و مبهم مورد بررسی قرار گرفت. از میان ۴۳ خطای باهمایی دستوری شناسایی شده ۶۰٪ خطاها با منشأ درون زبانی، ۳۲٪ خطاها بین‌زبانی و ۶٪ از خطاها به خطای مبهم اختصاص دارد. در این پژوهش بخش عمده‌ای از خطاهای باهمایی دستوری زبان‌آموزان به خطای باهمایی «فعل + حرف جر» مرتبط است.

کلیدواژگان: باهمایی، باهمایی دستوری، خطای زبانی، زبان عربی

۱ - مقدمه

زبان‌آموزان هنگام یادگیری زبان دوم مرتکب خطا میشوند به گونهای که میتوان گفت خطاها بخشی اجتناب‌ناپذیر در یادگیری زبان دوم به شمار می‌روند. به نظر ریچاردز (Richards) خطا فرایندی است که خود ناشی از یادگیری است و از این طریق میتوان به نتایجی جهت یادگیری زبان دوم دست یافت. خطا سبب تمایز گفتار و نوشتار زبان آموزان زبان دوم از گفتار و نوشتار گویشوران آن زبان میشود (ریچاردز، ۱۹۷۰: ۱۱۴). به دلیل اهمیت این موضوع رویکردی به نام «تحلیل خطا» در سال ۱۹۷۰ توسط کورد (Corder) و همکارانش به وجود آمد در این رویکرد نگرش مثبتی نسبت به خطا وجود داشت و دیگر خطا نشانه شکست و عدم موفقیت در یادگیری و آموزش نیست بلکه آن را باید به عنوان بخش ضروری در فرایند آموزش زبان در نظر گرفت. تجزیه و تحلیل خطا میتواند در بهبود روند آموزش مؤثر باشد.

کورد (۱۹۶۷) خطاها را از سه منظر مهم تلقی میکند: نخست برای معلم، در صورتی که تحلیلی نظاممند انجام دهد، خطاها به او می‌گویند که زبان‌آموز تا چه حد پیشرفت کرده است، و در نتیجه چه دانشی باید فرا بگیرد؛ دوم برای محققان؛ چرا که در زمینه فرایند یادگیری زبان دوم و راهبردهای یادگیری زبان‌آموز شواهدی را فراهم می‌آورد و سوم برای خود زبان‌آموز، بدین جهت که خطاها را میتواند به نوعی ابزار یادگیری زبان برای آنان در نظر گرفت (طاهرزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بنابر این تحلیل خطاهای زبان‌آموزان نقش بسزایی در پیشبرد اهداف آموزشی دارد؛ چرا که بسامد زیاد خطایی خاص باعث یافتن نقاط ضعف دانش‌آموزان شده و بررسی و تحلیل نظاممند خطاها باعث بهینه شدن امر آموزش میگردد و میتواند در سازماندهی مواد آموزشی و رفع نواقص

یکی از خطاهایی که در تولیدات زبانی زبان‌آموزان به وفور یافت می‌شود، خطاهای مربوط به باهمایی است. «باهماییها عناصر واژگانی هستند که بسامد وقوع آنها در کنار هم، به لحاظ آماری بیش از حد معمول بوده تا حدی که نمی‌توان آنها را تصادفی دانست» (معصومی، ۱۳۹۰: ۱۶). برخی از زبان‌شناسان نظیر بنسون (Benson) و همکاران (۱۹۸۹)، این عناصر واژگانی را به دو گروه واژگانی و دستوری تقسیم‌بندی کرده‌اند. باهماییها یکی از مهمترین ویژگیهای هر زبان است و در همه زبانها مشاهده میشود، به طور مثال در زبان عربی برای توصیف بلندی ساختمان از واژه «رفیع» و «مرتفع» استفاده می‌کنیم و می‌گوییم «بناء مرتفع» در حالی که بلندی «درخت» یا «کوه» را با دو واژه دیگر «باسق» و «شاهق» و به گونه «شجرة باسقة» و «جبل شاهق» به کار می‌بریم. همانگونه که ذکر شد باهماییها تنها مربوط به باهمایی واژگانی نیستند و شامل باهمایی دستوری نیز می‌شوند که می‌توان به باهمایی «فعل + حرف» اشاره کرد، مانند «قال له» که بسیاری از عربی‌آموزان همانگونه که در زبان فارسی برای فعل «گفتن» از حرف اضافه «به» استفاده میکنند به تأثیر از زبان مادری خود حرف جر «ب» را جایگزین حرف جر «له» میکنند. زبان‌آموزان برای ایجاد ارتباط با دیگران علاوه بر توانایی استفاده از دستور باید بدانند که گویشوران چگونه از صورتهای زبانی پیش‌ساخته، همچون باهماییها و اصطلاحات استفاده میکنند. آگاهی از باهماییها باعث افزایش مهارتهای ارتباطی زبان‌آموزان میشود و سبب بومی گونه شدن و روانی گفتار و نوشتار زبان‌آموزان میگردد و عدم آشنایی با آنها باعث میشود تولیدات زبانی زبان‌آموز اعم از گفتار و نوشتار طبیعی جلوه نکند. با توجه اهمیت خطاهای باهمایی زبان‌آموزان در روند آموزش زبان دوم، پژوهش حاضر بر آن است با تحلیل نوشته‌های عربی‌آموزان ایرانی خطاهای باهمایی دستوری آنها را بر اساس نظریه بنسون و همکاران تعیین و پس از دست‌بندی خطاها، میزان بسامد وقوع هر یک از انواع باهماییها را مشخص کرده و با تکیه بر نظریه کوردن (Corder) به تحلیل خطاهای باهمایی بپردازد.

به طور کلی این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوال‌های زیر است:

۱- انواع خطاهای باهمایی دستوری عربی‌آموزان ایرانی کداماند؟

۲- خطاهای باهمایی دستوری عربی‌آموزان ایرانی از چه منبعی نشأت می‌گیرند؟

۱-۱ پیشینه پژوهش

در سالهای اخیر پژوهشهای فراوانی با موضوع تحلیل خطای زبان‌آموزان در حوزه‌های مختلف از جمله خطاهای املا-نگارشی، آوایی-واجی، صرفی-نحوی صورت پذیرفته است. از میان این آثار میتوان به فرهادی (۱۳۷۹)، احمدیان (۱۳۸۷)، گله‌داری (۱۳۸۷)، گنجی و جلابی (۱۳۸۷)، رئیسی (۱۳۸۸)، متولیان و استوار (۱۳۸۹)، و معصومی (۱۳۹۰) اشاره کرد. از معدود پژوهش‌هایی که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارد، میتوان به موارد زیر

اشاره کرد:

شمس (۱۳۹۰) همایندهای مورد استفاده دانشجویان سال سوم زبان انگلیسی را شناسایی و طبقه‌بندی کرده است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که خطاهای افراد مورد مطالعه، ریشه‌های گوناگونی، از جمله تداخل زبانی دارند. همچنین آشکار شد که افراد مورد مطالعه از سطح بالای دانش همایندها برخوردار نبودند.

مسجدی (۱۳۹۰) به بررسی خطاهای همایندی دستوری و واژگانی صد و پنجاه نمونه از نگارش دانشجویان سال‌های اول و دوم بر اساس مدل اصلاح شده بنسون می‌پردازد و پس از ارزیابی کلی مشخص می‌کند که منشأ اصلی خطاهای همایندی، نداشتن دانش کافی در مورد محدودیت‌های قواعد همایندی است.

افشین‌پور (۱۳۹۳) با بررسی ۲۶۰ برگه انشای فارسی‌آموزان عربیزبان تعداد ۱۳۹ خطای باهمایی تشخیص می‌دهد که ۷۳ مورد آن خطای باهمایی واژگانی و ۶۶ مورد خطای باهمایی دستوری بودند. از بین عوامل مورد بررسی ۶۰ مورد از خطای باهمایی را ناشی از انتقال زبان اول، ۳۷ مورد را ناشی از تعمیم‌دهی نادرست معانی و قواعد زبان دوم و ۴۲ مورد از مجموع خطاها را نیز ناشی از به کارگیری راهبردهای یادگیری زبان دوم میداند.

اما در حوزه یادگیری زبان عربی در ایران تاکنون پیرامون چگونگی باهماییها در تولیدات عربی‌آموزان ایرانی و دلایل آن پژوهشی صورت نگرفته است.

۲-۱ روش انجام پژوهش

این پژوهش با تکیه بر نظر بنسون و همکاران (۲۰۰۹) در زمینه باهماییها، به بررسی خطاهای باهمایی دستوری عربی‌آموزان و عوامل مؤثر در ایجاد آنها می‌پردازد. جامعه آماری در این پژوهش ۴۴ نفر از عربی‌آموزان ایرانی هستند. سن این گروه از زبان‌آموزان بین ۲۰-۲۲ سال است و در ترم ۵ مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان مشغول به تحصیل میباشند. همه زبان‌آموزان زن هستند و زبان مادری همه آنها زبان فارسی است و زبان عربی را به عنوان زبان خارجی می‌آموزند و با زبان عربی تنها در مدرسه و دانشگاه آشنا شده‌اند. در انجام این پژوهش، انشاهای دانشجویان به روش خودانگیخته گردآوری شده است در این روش موضوعاتی متناسب با سطح دانشجویان ارائه شده است. نوشتن انشا توسط دانشجویان خارج از کلاس بوده و دانشجویان در استفاده از فرهنگ لغت آنلاین و غیر آنلاین آزاد بوده‌اند. نوشته‌های دانشجویان به صورت تصادفی در طول ترم ۵ در سالهای ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷ جمع‌آوری شد. به طور کلی حدود ۲۰۰ برگه انشا از این دسته از زبان‌آموزان گردآوری شد. برای دستیابی به هدف پژوهش ابتدا خطاهای مربوط به باهمایی دستوری زبان‌آموزان تشخیص داده شد، سپس معادل صحیح آنها در زبان عربی مشخص شد. این پژوهش در بررسی علل دخیل در ایجاد خطاهای باهمایی بر اساس نظر کوردن عمل کرده‌است. کوردن منبع خطاها را سه عامل خطاهای بین زبانی، درون‌زبانی و خطاهای مربوط به

راهکارهای آموزشی میداند. اما در این پژوهش، خطاها بر اساس منشأ و علت بروز در سه دسته مختلف بینابانی، درونزبانی و مبهم قرار میگیرند و به دلیل محدودیت موجود و عدم دسترسی به زبانآموزان و در نتیجه عدم آشنایی با شیوه یادگیری زبان عربی آنها، از بررسی عامل مربوط به راهکارهای آموزشی صرف نظر کرده است. لازم به ذکر است خطاهایی که ناشی از دو عامل بینابانی و درونزبانی بودند، تحت عنوان خطاهای مبهم مورد بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی و تحلیل خطاها، فراوانی انواع خطاها و منشأ آن بیانگردید.

۲- مبانی نظری پژوهش

در آغاز بحث لازم است به منظور شناخت و توصیف دقیق خطاهای زبانآموزان توضیحی اجمالی درباره باهمآییها ارائه شود. نخستین جرقههای این پدیده زبانی و حتی بسیاری دیگر از پدیدههای زبانی را نمیتوان به آسانی ردیابی کرد و نمیتوان با ضرس قاطع از یک پژوهشگر به عنوان واضع قطعی آن نام برد. اختلافات متعددی درمورد باهمآییها نیز وجود دارد برخی چون اش (R. E. Asher) (۱۹۹۴)، پورتسیگ (W. Porzig) را به عنوان نخستین کسی که به موضوع باهمآییها پرداخته است، معرفی میکنند، ولی اغلب فرث (Firth) (۱۹۵۷) را به عنوان واضع و معرف اصطلاح باهمآییها می شناسند (ملمکیار، ۲۰۰۴، به نقل از مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۳).

فرث (۱۹۵۷) اولین فردی بود که عنوان کرد که واژهها نه تنها با توجه به قواعد دستوری کنار هم قرار میگیرند، بلکه ویژگیهای باهمآیی نیز دارند. وی واژه «collocation» را برای «جایگاههای معمول و رایج» واژهها ابداع کرد (پور هادی، ۱۳۸۸: ۱)، به نظر وی «باهمآیی واژگانی به کارگیری واژهها در کنار واژههای دیگر است» (فرث، ۱۹۳۵، به نقل از موسوی، ۱۳۹۴: ۴۶). نگرش سلینکر (Sinclair) (۱۹۶۶) به باهمآییها نگرشی آماری است. سلینکر باهمآیی را به دو نوع تصادفی و با همآیی معنی دار دسته بندی میکند. به نظر وی باهمآیی تصادفی در مقابل باهمآیی معنیدار ماهیتی اتفاقی دارد. تمایز میان این دو را میتوان براساس بسامد تکرار باهمآیندهای یک عنصر بررسی کرد. هر چه میزان هموقوعی بیشتر باشد، تصویر شفافتری به دست میآید و در چنین شرایطی به باهمآیی معنیدار نزدیک می شویم (مدرس خیابانی، ۱۳۸۶: ۳۱).

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در اثر معروف خود با عنوان «انسجام در زبان انگلیسی» باهمآیی را به عنوان ابزاری در ایجاد انسجام واژگانی مطرح میکنند. به عقیده آنان تکرار و باهمآیی، ابزار انسجام واژگانی است. تکرار میتواند به صورت تکرار خود واژه، واژه شامل آن با واژه عام نشان داده شود، اما باهمآیی به واسطه هموقوعی مکرر واژهها مشخص میشود (همان: ۲۷).

هارتمن و جیمز (۱۹۹۸) باهمآیی را سازگاری معنایی حاصل از همجواری دستوری واژهها میدانند. ایشان باهمآییهای چون: صفت - اسم (سلام گرم)، اسم - فعل (سیگار کشیدن)، فعل - حرف اضافه (از دست دادن) را رابطهای مثبت شمرده و همبستگی خواندهاند و باهمآییهای چون: سلام داغ، سیگار خوردن را منفی دانسته و در زمره محدودیت های گزینش جای دادهاند. آنان باهمآییها را از نظر قوت و استحکام رابطه ثابتتر از ترکیبات آزاد و ضعیفتر از اصطلاحات دانستهاند (هارتمن

و جیمز، به نقل از پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۲۰۲).

فرامکین (Formkin)، رادمن (Rodman) و هیامس (Hyams) باهمآییها را وقوع دو یا چند کلمه با فاصله کوتاهی درون یک پیکره زبانی دانستهاند و باهمآییها را شامل ظهور یک واژه در متن می دانند که روی انتخاب سایر واژگان و وقوع آنها اثر می گذارد (فرامکین، رادمن و هیامس، ۲۰۰۲، به نقل از شریفی و کرامتی، بی تا: ۲۲۰).

بنسون و همکاران (۱۹۸۹) باهمآیی را به دو دسته واژگانی و دستوری تقسیم بندی کردند، به عقیده آنها باهمآیی واژگانی آن دسته از توالیهایی است که به صورت مکرر با یکدیگر همنشین میشوند یا عناصر آنها به نوعی با یکدیگر وابسته هستند، همچنین عناصری که به صورت آزادانه باهم ترکیب میشوند باهمآیی بهشمار نمی آیند، بلکه توالی واژگانی آزاد هستند، از طرفی باهمآیی دستوری شامل یک واژه مسلط، مانند: اسم، صفت و فعل و یک حرف اضافه یا ساخت دستوری همچون مصدر یا بند است (بنسون و دیگران، ۱۹۸۹: ۹). این پژوهش بر اساس نظریه بنسون و همکاران به بررسی خطاهای باهمآیی دستوری عربی آموزان میپردازد.

بنسون و دیگران باهمآییهای دستوری را به هشت گروه اصلی زیر طبقه بندی کردهاند (بنسون و دیگران ۱۹۸۶، به نقل از خیابانی، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

جدول (۲-۳) باهمآییهای دستوری مدل بنسون

شماره گروه	الگوی ترکیبی
گروه ۱	اسم + حرف اضافه
گروه ۲	اسم + مصدر (to)
گروه ۳	اسم + بند (that)
گروه ۴	حرف اضافه + اسم
گروه ۵	صفت + حرف اضافه
گروه ۶	صفت اسنادی + مصدر (to)
گروه ۷	صفت + بند (that)
گروه ۸	الگوهای باهمآیی فعل + (حرف اضافه، مصدر و اسم)

اینک به طبقه بندی کلی از باهمآیی دستوری زبان عربی بر اساس رویکرد معنایی - نحوی بنسون و تعدیل آن به خاطر برخی از نارسائیهای این رویکرد در طبقه بندی باهمآییها در زبان عربی میپردازیم:

جدول (۳-۳) باهمآییهای دستوری زبان عربی

شماره گروه	الگوی ترکیبی	مثال
گروه ۱	اسم + آن مصدری + فعل	خَذَارِ أَنْ، هِيَهَاتِ أَنْ
گروه ۲	فعل + آن مصدری + فعل	يُبْهَجْنِي أَنْ أَرَاكَ، يَرُوقْنِي أَنْ تَكُونَ حَلِيَّةَ الْأَدْبَاءِ، أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ الرِّسَالَةَ
گروه ۳	فعل + أَنْ + اسم + خبر	عَلِمْتُ أَنَّهُ طَيِّبُ الْقَلْبِ
گروه ۴	فعل + مصدر	أَدَبْتُهُ تَأْدِيبًا، يُرْتَلُّ تَرْتِيلًا، تَمَّ اغْتِيَالُ فُلَانٍ
گروه ۵	فعل لازم + اسم (حال)	اِحْتَنَمَ غَيْظًا، انْفَجَرَ ضَاحِكًا
گروه ۶	فعل + مفعول مطلق + صفت	وَقَعَ مَوْعِدًا جَمِيلًا، شَكَرَ شُكْرًا جَزِيلًا
گروه ۷	فعل لازم + ظرف + اسم	وَقَعَ تَحْتَ رَحْمَتِهِ، تَخَذَلُ أَمَامَ الْمُتَاعِبِ
گروه ۸	اسم + حرف جر	جَدِيرٌ بِالذِّكْرِ، مَغْمُورٌ بِالذِّينِ، غَائِضٌ فِي أَفْكَارِهِ، حَبِزَ عَلَى الْوَرَقِ، عَيْنٌ بَعِينٌ
گروه ۹	حرف جر + اسم	عَنْ جَهْلٍ، بِغِزَارَةٍ
گروه ۱۰	فعل + حرف جر	قَالَ لِي، رَغِبَ فِي، أَشَارَ إِلَى
گروه ۱۱	فعل + حرف جر + اسم	تَرَأَى عَلَى قَدَمَيْهِ، غَمَزَ فِي مَشِيهِ
گروه ۱۲	فعل + اسم + حرف جر	أَفْضَى الْأَمْرُ بِهِ، جَرَّدَ قَلْبُهُ عَنْ
گروه ۱۳	فعل + اسم + حرف جر + اسم	أَخَذَ طَرِيقَهُ إِلَى الرُّشْدِ
گروه ۱۴	فعل + فعل	بَدَأَ يَبْكِي، كَادَ يَمُوتُ، كَانَ يَأْكُلُ

شایان ذکر است برخی از این باهمآیی‌ها در مدل بنسون ذکر نشده و با توجه به قواعد زبان عربی اضافه شده است. با توجه به ویژگیهای زبان عربی، باهمآیی‌هایی را که از حرف جر استفاده شده است، میتوان به ۴ دسته زیر تقسیم بندی کرد (بوقدح، ۲۰۰۸-۲۰۰۹):

الف) بعد از جار و مجرور اسم بیاید، مانند: فِي طَيِّ الْكَتْمَانِ، عَلَى قَدَرِ طَاقَتِهِ.

ب) بعد از جار و مجرور صفت بیاید، مانند: لِلْمَرْءِ الْأُولَى، عَلَى حَدِّ سَوَى.

ج) بعد از جار و مجرور اسمی بر جار و مجرور معطوف شود، مانند: عَلَى الرَّحْبِ وَالسَّعَةِ، بِالرَّفَاهِ وَالْبَيْنِ.

د) بعد از جار و مجرور، جار و مجروری بیاید که بر جار و مجرور اول عطف شده است، مانند: مِنْ قَبْلِ وَمِنْ بَعْدِ.

۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی خطاهای باهمآیی دستوری زبانآموزان پرداخته میشود تا انواع خطاهای باهمآیی دستوری، بسامد وقوع هر یک از انواع خطاها و عامل ایجاد این خطاها دریافت شود. بدین منظور خطاهای زبان آموزان در دو دسته خطاهای بینابانی و خطاهای درون زبانی تقسیم میشوند و خطاهایی که شامل هر دو دسته هستند در دسته دیگری تحت عنوان خطاهای مبهم مورد بررسی قرار میگیرند.

۳-۱ خطاهای باهمآیی دستوری ناشی از تداخل زبان مادری

به طور کلی «چنانچه یادگیری اول بر یادگیری دوم تأثیر داشته باشد، در روانشناسی آن را تداخل مینامند» (ژیرار و گالیسون، ۱۳۶۶: ۷۹). یادگیری زبان نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. اگرچه زبان‌شناسان، تداخل را امری اجتنابناپذیر میدانند، اما برخی این پدیده را مثبت ارزیابی میکنند و آشنایی با زبان مادری را برای درک عمیقتر ساختار زبان دوم، ابزاری مفید تلقی میکنند و برخی نیز آن را عامل بازدارنده یادگیری به شمار آوردهاند، لذا با توجه به اختلافات مذکور، «تداخل را به تداخل مثبت و تداخل منفی تقسیم کردهاند. تداخل مثبت، زمانی اتفاق میافتد که زبان "الف" باعث سهولت یادگیری زبان "ب" شود و در تداخل منفی بالعکس، زبان "الف" موجب تأخیر و مانع‌رأشی در یادگیری زبان "ب" میگردد» (المکی، ۱۳۸۴: ۱۰). در مواردی که زبانآموزان دانش لازم مرتبط با زبان هدف را نداشته باشند از ساختار زبان مادری استفاده میکنند. به اعتقاد کوردر خطاهایی که ریشه آن زبان مادری است خطاهای «میانزبانی» یا خطاهای «تداخلی» نامیده میشوند (کوردر، ۱۹۸۱: ۶۷).

این گروه از خطاهای زبانآموزان پژوهش حاضر، شامل «حرف‌جر + اسم»، «اسم + حرف جر»، «فعل + حرف جر»، «فعل + آن + فعل»، «فعل + آن» میشوند، در زیر نمونه‌هایی از این نوع خطا همراه با تحلیل آن بیان میشود:

۳-۱-۱ حرف جر + اسم

آنچه در زبان فارسی «حروف اضافه» مینامیم در زبان عربی با عنوان «حروف جر» شناخته میشود (آذرنوش، ۱۳۶۶: ۳۸). حروف جر در زبان عربی عبارتند از: بَاء، تَاء، وَاو، كَاف، لَام، فِی، عَلَی، مِنْ، مِنْذ، مَذ، إِلَى، عَنْ، حَتَّى، رَبِّ، عَدَا، خَلَا، حَاشَا، لَوْلَا، كَيْ، لَعَلَّ، مَتَى، وَاو. این حروف بر سه قسم هستند؛ حرف جر اصلی، زائد و شبه زائد. در این پژوهش حروف جر اصلی مد نظر است که عبارت است از: «مَنْ»، «بَاء»، «لَام»، «كَاف»، «إِلَى»، «حَتَّى»، «خَلَا»، «عَدَا»، «حَاشَا»، «فِي»، «عَنْ»، «عَلَى»، «مِنْذ»، «مَذ»، «كِي»، «لَعَلَّ» و «مَتَى» (عبدالمسیح و تابری، ۱۹۹۰: ۲۰۵). این حروف با اسم بعد از خود جار و مجروری را تشکیل میدهند که با متمم اجباری فعل در زبان فارسی برابری میکند، در ادامه به بررسی خطاهای عربی‌آموزان میپردازیم:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	قَرَأْتُ بِصُورَةٍ الَّتِي اسْتَطِيعَ أَنْ أَحْصَلَ عَلَى دَرَجَةِ الْجَيِّدَةِ	قَرَأْتُ بِشَكْلِ (بِطَرِيقَةٍ) اسْتَطِيعَ أَنْ أَحْصَلَ عَلَى دَرَجَةِ جَيِّدَةٍ (مَطْلُوبَةٍ)

منظور زبانآموز از جمله بالا ترجمه فارسی «آنچنان [درس] خواندم که بتوانم نمره خوبی بگیرم» است. در زبان فارسی میتوان ترکیباتی نظیر «به صورتی»، «بهشکلی» و «بهگونهای» را نیز بهجای حرف ربط مرکب «آنچنان... که» به کار برد. گویا زبانآموز با ترجمه تحت اللفظی ترکیب

«بصورة» را به عنوان معادلی مناسب برگزیده است. در این عبارت ترکیباتی نظیر «بشکل» و «بطريقة» به عنوان معادلی برای این حرف ربط گسسته فارسی پیشنهاد میشود، اما بهترین معادل برای آن استفاده از موارد زیر است:

- ۱- مفعول مطلق و پس از آن «حتی» ابتدائی؛
 - ۲- مفعول مطلق تأکیدی به همراه یک جمله وصفیه بعد از آن (زرکوب، ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۴۶).
- بنابراین جمله زبانآموز را میتوان به دو صورت زیر نیز بیان کرد:
- ۱- قرأت قراءه حتى أستطيع أن أحصل على درجة الجيدة؛
 - ۲- قرأت قراءه أستطيع أن أحصل على درجة الجيدة.

در حقیقت ناآگاهی از قواعد زبان عربی منجر شده که زبانآموز به زبان مادری خود رجوع کرده و مشکل خود را به کمک زبان اول حل کند. نمونه زیر از دیگر مواردی است که زبانآموز در کاربرد حرف جر صحیح دچار اشتباه شده است:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۲	بالتأكيد لدي المؤهلات الكثيرة ولكن بالأسف الشديد لا أعرفها إلا قليلاً	بالتأكيد لدي المؤهلات الكثيرة ولكن مع الأسف (للأسف) الشديد لا أعرف إلا القليل منها

برای بیان عبارت «با تأسف بسیار» در زبان عربی از حرف «مع» یا «ل» استفاده میشود که زبان آموز در این نمونه تحت تأثیر زبان فارسی از حرف جر «باء» استفاده کرده است.

۳-۱-۲ فعل + حرف جر

حروف جر اصلی که در تعدیه افعال نقش دارند بر دو قسمند: حروف جر مختص و حروف جر مشترک. بسیاری از افعال در زبان فارسی و عربی با حرف خاصی استعمال میشوند، که در زبان عربی از آنها تحت عنوان «حرف جر مختص» یاد میشود؛ حرف جر مختص، حرف جری است که به دنبال فعل معینی استعمال میشود و بر معنی فعل اثر میگذارد. در واقع معنی فعل در گرو معنی ویژهای است که این حرف در بر دارد. به کارگیری این حروف قاعده مشخصی ندارد بلکه به استعمال اهل زبان وابسته است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۷). این حروف اثر فعال و پر اهمیتی در تغییر معنای فعل دارند (داود، ۱۴۲۳، ج ۱: ۶). در واقع حرف جر مختص فعل را متعدی کرده و معنای متفاوتی در فعل ایجاد میکند، بنابراین توجه به انتخاب حرف جر مناسب هر فعل برای رسیدن به معنای مورد نظر اهمیت فراوانی دارد. گاهی یک فعل با حروف جر متفاوتی کاربرد دارد که سبب تغییر در معنی فعل میشود، یکی از نمونههای مشهور این فعلها، میتوان به فعل «رغب» اشاره کرد، که به معنای «فراخی و گنجایش در چیزی» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۶). هنگامی که این فعل با حرف جر «فی» و «إلى» همراه شود، معنای «علاقه و تمایل شدید»

را میرساند با این تفاوت که علاقه و تمایل در «رغب إلى» بیشتر است، ولی اگر این فعل با حرف «عن» همراه شود، به معنی «دوری و بیمیلی نسبت به چیزی» خواهد بود (همان: ۸۶). بنابراین میتوان گفت حروف جر در معنی افعال تأثیر بسزایی دارد و معنی حرف جر فعل بسته به معنی حرف جر تغییر میکند. اگر معنی حروف جر اختلاف زیادی با یکدیگر داشته باشند معنی فعل نیز به تبع آن تغییر اساسی خواهد کرد. گاهی نیز فعل با دو حرف جر مختلف همراه میشود، ولی تغییری در معنای آن ایجاد نمیشود، مانند: «سمع إليه» و «سمع له» که هر دو به معنای «به حرف او گوش داد» است (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۲۶).

حرف جر مشترک، حرف جری است که همراه همه فعلها چه لازم و چه متعدی قرار میگیرند، زیرا معنای این حروف بین همه فعلها مشترک است، مانند معانی ظرفیت، ابتدا و انتهای غایت، تعلیل، استعلاء، مصاحبت، استعانت که با حروف جر «فی، من، إلى، ل، على، باء» بیان میشود، مثلاً فعل «خرج» میتواند در کنار مجموعهای از حروف مشترک که بر معنای؛ استعلاء، ابتدا، انتهای غایت و مصاحبت دارند، قرار بگیرد، مانند: «خرجت على الدابة»، «خرجت من الدار»، «خرجت إلى الحقيقة» و «خرجت بالسلح». در کاربرد حروف جر مشترک با دانستن معنی اصلی یا یکی از معنای فرعی یا نیایی آن میتوان به معنی حقیقی یک تعبیر دستیافت، ولی در صورتی که حرف جر مختص به فعل معینی باشد غالباً برای دانستن معنی حقیقی فعل در جمله علاوه بر دانستن معنی اصلی حرف جر مراجعه به کتب لغت ضروری است، گرچه حرف جر در این مورد نیز معنی اصلی خود را حفظ میکند اما گاهی در اثر همراهی با فعلی معین معنی جدیدی به آن میبخشد که بدون مراجعه به کتب لغت ناشناخته میماند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۸).

در این پژوهش، مقصود از باهمایی فعل و حرف جر، حروف جر مختص است نه مشترک؛ حروفی که معنی فعل را تحت تأثیر میگذارد و معنی فعل وابسته به آن است. بخش قابل توجهی از خطاهای زبانآموزان مربوط به فعل و حرف جر مختص آن میباشد، لذا در بخش باهمایی فعل و حرف جر مواردی نظیر عدم کاربرد حروف جر، جایگزینی نامناسب و استفاده زاید آن مورد بررسی قرار میگیرد.

الف) حذف حرف جر

در این نوع از خطاها حرف جر به تأثیر از زبان مادری زبانآموز حذف شده است، مانند:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	لا يجب الانسان مع اعماله أن يروج الثقافة السينة في المجتمع	لا يجب على الانسان أن يشيع بأعماله الثقافة السينة في المجتمع

در این خطا زبانآموز با توجه به ترجمه فارسی جمله «انسان نباید...» فعل «يجب» را بدون حرف جر استفاده کرده است. یکی از معادلهای «باید» در زبان عربی «يجب على» است، که صیغه افعال در آن تغییر نمیکند، بلکه با تغییر ضمیر یا اسم ظاهری که بعد از آنها میآید، بر اشخاص و صیغههای مختلف دلالت میکند (زرکوب، ۱۳۸۸: ۱۴۳). لازم به ذکر است که در معادل فارسی جملههای زبانآموزان، فعل، مفعول مستقیم یا مفعول رایی میگیرد در صورتیکه معادل آن در زبان عربی فعلی است که مفعول آن با واسطه است یا به نحوی فعل به حرف جر نیاز دارد و همین باعث خطا شده که زبان آموزان در جملههای خود از مفعول مستقیم استفاده کرده و حرف جر را به تأثیر از زبان فارسی حذف کرده‌اند. در نمونههای زیر نیز با ترجمه لفظ به لفظ جملههای زبانآموزان متوجه میزان تأثیر زبان فارسی میشویم:

ردیف	نمونه خطا	ترجمه لفظ به لفظ	صورت صحیح
۲	أحصل الدخل المرتفع	به دست آورد درآمد بالایی	أحصل على الدخل المرتفع
۳	الإدمان ينطوي أموراً مختلفة	اعتیاد موارد مختلف و متعددی	الإدمان ينطوي على (يشتمل على سبيل المثال الإدمان على الهاتف الجوال
۴	عثرَ هذه المحفظة في الشارع	پیدا کردم این کیف را در خیابان	عثرَ على هذه المحفظة في الشارع
۵	ونحظى المنزل الفريدة	و کسب کردیم جایگاه منحصر به فردی را	ونحظى بالمنزلة الفريدة

در زبان فارسی فعل «به دست آوردن» و «دربرگرفتن»، «پیدا کردن» و «کسب کردن» بدون حرف اضافه بهکار میرود، درحالی که معادلهای آن در زبان عربی یعنی «أحصل»، «ينطوي»، «عثر» با حرف «على» و همچنین فعل «حظى» با حرف «باء» استعمال میشود. زبانآموز تحت تأثیر زبان فارسی حرف جر مختص این افعال را حذف کرده است.

ب) جایگزینی نادرست حرف جر

در نمونههای زیر زبانآموزان در انتخاب حرف جر مناسب افعال دچار خطا شده‌اند:

ردیف	نمونه خطا	ترجمه لفظ به لفظ	صورت صحیح
۱	عيش في هذه المدينة كان صعباً جداً و يحتاج إلى الصبر	زندگی در این شهر واقعاً مشکل است و نیاز دارد به صبر	العيش في هذه المدينة كان صعباً جداً و يحتاج إلى الصبر
۲	تعرفت مع أحسن الأساتذة	آشنا شدم با بهترین استادان	تعرفت على أحسن الأساتذة
۳	الرجل سَلَّمَ المحفظة	مرد کیف را به زن تحویل داد و از او تشکر کرد	الرجل سَلَّمَ المحفظة إلى امرأة وشكرها
۴	رأى الهم مرسوماً على وجهها	ناراحتی آشکاری بر صورتش دید پس درباره حالش پرسید	رأى الهم مرسوماً على وجهها فسألها عن حالها
۵	حينما أخبرني أنني عليّ أن أسافر بالمريخ ...	هنگامی که به من خبر رسید که باید سفر کنیم به مریخ	حينما أخبرني أنني عليّ أن أسافر إلى المريخ ...
۶	أظن أفضل الصديق هو شخص يستطيع المرء أن يلجأ به في حياته	گمان میکنم بهترین دوست آن شخصی است که انسان میتواند در زندگی به او پناه ببرد	أظن أن أفضل الصديق هو الذي يستطيع المرء أن يلجأ إليه في حياته
۷	استمتعت من نزول المطر	لذت بردم از بارش باران	استمتعت بنزول المطر
۸	أقول لهما أحبهما كثيراً جداً	به آنها یگویم خیلی زیاد دوستشان دارم	أقول لهما إنني أحبهما كثيراً

در جمله شماره ۱ فعل «احتیاج داشتن» در زبان فارسی با حرف «ب» کاربرد دارد، ولی در عربی فعل «احتاج» با حرف «إلى» به کار می‌رود. شاید زبانآموز با تحلیل اینکه فعل «احتاج» از جمله فعلهایی است که مصدر آن با حفظ معنای خود به زبان فارسی وارد شده است، حرف جر مشترکی برای آن در نظر گرفته است. در نمونه شماره ۲ زبانآموز با ترجمه تحت اللفظی حرف جر «مع» را برای فعل «تعرف» انتخاب کرده است. در جمله شماره ۳ فعل «سَلَّمَ» با حرف جر «إلى» معادل فعل «تحویل دادن ب» در زبان فارسی است. تداخل زبان مادری سبب شده است که زبانآموز حرف «ب» را جایگزین حرف «إلى» کند. در جمله ۴ فعل «سأل» یک مفعول بی واسطه (مستقیم) و یک مفعول با واسطه دارد که با حرف «عن» همراه است؛ «سأله عن» معادل آن در فارسی «از کسی درباره چیزی پرسیدن» است، ولی معمولاً زبانآموز به دلیل ترجمه تحت‌اللفظی به خطا «سأل من فلان حول ...» مینویسد. جملات بعد نیز بیانگر این است که زبانآموز به خاطر عدم آشنایی با حروف اضافه فعلی در زبان عربی از زبان مادری خود کمک گرفته و مرتکب خطا شده است.

ردیف	نمونه خطا	ترجمه لفظ به لفظ	صورت صحیح
۱	يجب أن نراقب عن أولادنا	باید از فرزندانمان مراقبت کنیم	يجب أن نراقب أولادنا
۲	أعوان بالفقراء	به فقیران کمک کنیم	أعين الفقراء
۳	أُمِّي تَسْمَعُ بكلامي بالشفقة	مادرم با مهربانی به صحبت‌م گوش می‌دهد	أُمِّي تَسْمَعُ كلامي بعطف وحنان
۴	كانت أُمِّي أفضل صديقتي لأنها تُدركني في كل الأحوال وحينما أواجه بالمشاكل	مادرم بهترین دوست من است زیرا در همه شرایط مرا درک می‌کند به ویژه زمانی که با مشکل روبرو می‌شوم	كانت أُمِّي أفضل صديقتي لأنها تفهمني في كل الأحوال خاصة عندما أواجه المشاكل
۵	تواجه الزراعة مع مشكلات عديدة	کشاورزی با مشکلات بسیاری روبرو می‌شود	الزراعة تواجه مشاكل عديدة

در جمله شماره ۱ در توصیف این خطا باید گفت که در عربی افعالی که در باب «مفاعلة» هستند و بر مشارکت دلالت دارند بدون حرف اضافه استعمال میشوند، ولی در ترجمه آن به فارسی همراه حرف اضافه به کار می‌روند (ابرقوئی، ۱۳۹۳: ۷۴). زبان آموز با تأسی از زبان فارسی حرف جر «عن» را برای فعل «نراقب» به کار برده است؛ چراکه در زبان فارسی «مراقبت کردن» با حرف اضافه «از» کاربرد دارد.

در جمله‌های بعد، فعل‌های «کمک کردن به»، «گوش دادن به» و «روبه رو شدن با» در فارسی با حرف اضافه به‌کار می‌روند، ولی معادل آنها در زبان عربی بدون حرف جر کار رفته و مفعول مستقیم می‌گیرد. زبان‌آموزان تحت تأثیر زبان مادری مرتکب این خطاها شده‌اند.

۳-۱-۳ فعل + آن مصدری + فعل

حرف «که» از پرکاربردترین حروف زبان فارسی است که در جمله‌های گوناگون معانی متفاوتی دارد و زبان‌آموزان در یافتن معادل آن به زبان عربی غالباً با مشکل مواجه می‌شوند. گاهی «أن» ناصبه که از حروف مصدری به‌شمار می‌رود، معادل حرف «که» در زبان فارسی است، و معمولاً زمانی که در زبان فارسی فعل جمله پیرو التزامی باشد از «أن» ناصبه استفاده می‌شود، مانند: «أعلن للمقاتلين أن يتأهبوا»: «به رزمندگان دستور داده شد که آماده نبرد باشند» (زرکوب، ۱۳۸۸: ۱۵۱). از جمله خطاهای زبان‌آموزان در یافتن معادل صحیح حرف «که» به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	أخيراً في حياتي أحب أركب السيارة	أخيراً في حياتي أحب أن أركب السيارة
۲	عرفتُ أن أستطيع سائق في هذه المهنة	عرفتُ أنني أستطيع أن أُنَاج في هذه المهنة
۳	من ثلاث أسبوع الماضي وعدت إلى نفسي لا أشاهد فلماً بالصورة المتواصلة	قبل ثلاثة أسابيع وعدت نفسي بأن لا أشاهد فلماً متواصلاً

در جمله شماره ۱ زبان‌آموز به دلیل ترجمه تحت‌اللفظی از زبان فارسی مرتکب خطا شده است؛ چراکه در زبان فارسی میتوان حرف «که» میان دو فعل را حذف کرد و جمله را چنین بیان کرد: «دوست دارم [که] سوار ماشین شوم». باتوجه به این که فعل جمله پیرو، التزامیاست، معادل مناسب حرف «که» در این جمله استفاده از «أن» مصدری است. در جمله شماره ۲ نیز زبان‌آموز با در نظر داشتن اصل جمله فارسی در ذهن خود، آن را به عربی بیان کرده است و در قسمت دوم جمله برای بیان «میتوانم موفق بشوم» تحت تأثیر زبان فارسی، عبارت را در زبان عربی بدون کاربرد حرف مصدری «أن» بیان کرده است. در جمله شماره ۳ با توجه به اینکه در فارسی حرف «که» را میتوان حذف کرد زبان‌آموز نیز دو جمله «وعدت إلى نفسي» و «لا أشاهد فلماً» را بدون حرف «أن» مصدری ذکر کرده است. با توجه به این که جمله پیرو در زبان فارسی التزامی است، معادل مناسب حرف «که» در این جمله «أن» مصدری است.

۳-۱-۴ فعل + أن + اسم

یکی دیگر از معادلهای حرف «که» در زبان عربی، استفاده از حرف «أن» است که از حروف مشبه بالفعل است، «أن» برخلاف آن که به حرف تأکید معروف شده، در این جملات حرف ربط است و برای تأکید به کار نمی‌رود، لذا میتواند با اسم و خبرش به تأویل مصدر رفته و در جمله نقش فاعلی، مفعولی، مبتدایی، خبری، نایب فاعلی و مجروری را بپذیرد (زرکوب، ۱۳۸۸: ۱۹۳). در زیر به خطاهای معادل حرف «که» در نوشتار زبان‌آموزان می‌پردازیم:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	حينما تَعَلَّمْتُ اللغة الإنجليزية، فهمتُ أنني أحبها كثيراً	حينما تَعَلَّمْتُ اللغة الإنجليزية، فهمتُ أنني أحبها كثيراً
۲	يجب أن نعرف تمضي عمرنا	يجب أن نعرف أن عمرنا يمضي

در جمله شماره ۱ زبان آموز دو فعل «فهمتُ» و «أحبُّ» را بدون حرف ربط آورده است که در زبان عربی آوردن دو فعل پشت سر فقط در مواردی جایز است، از جمله این که فعل اول از

افعال ناقصه یا مقاربه باشد، مانند: «کان یفرح» و «کاد یموت». با توجه به اینکه فعل «فهمت» به مفعول نیاز دارد و فعل بعد از آن یعنی «أحب» در زبان فارسی اخباری است، معادل مناسب حرف «که» در این جمله استفاده از حرف «أَنَّ» است. بر همین اساس در جمله شماره ۲ نیز باید بین فعل «نعرف» و «تمضی» از حرف «أَنَّ» استفاده شود.

۳-۱-۵ اسم + حرف جر

متعلق حرف جر گاهی فعل یا شبه فعل خاص و گاهی فعل و شبه فعل عام است. فعل عام فقط بر وجود داشتن و حضور دلالت میکند، مانند: کان، حصل، ثبت، استقرو... شبه فعل عام نیز از اسامی مشتق از این افعال است. فعل خاص علاوه بر وجود داشتن معانی دیگری را نیز میرساند، مانند: نام، جلس و منظور از شبه فعل خاص اسامی مشتق از این افعال است، مانند: نائم، جالس. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۵). در این بخش منظور از «اسم + حرف جر» در واقع متعلق است که از نوع شبه فعل باشد و با حرف جر مخصوص بهکار میرود، برای مثال «راغب» و «مرغوب» با حروف «فی»، «عن» و «إلی» به کار میروند؛ زیرا فعل «رغب» در اصل با این سه حرف استعمال دارد. در زیر به تحلیل نمونههایی از خطای زبانآموزان در این زمینه میپردازیم؛

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	ولكن هذا الشخص الجاهل من أموره	ولكن هذا الشخص الجاهل بأموره

در این جمله معادل «ناآگاه بودن از» در زبان عربی «جاهل ب» است که زبانآموز تحت تأثیر زبان مادری حرف «من» را جایگزین حرف «باء» کرده است. با توجه به اینکه «جاهل» اسم فاعل است و اصل فعل آن با حرف جر «باء» کاربرد دارد لذا فاعل آنها نیز با همین حرف استفاده میشوند.

۳-۲ خطای باهمایی دستوری ناشی از انتقالات زبان مقصد

جیمز بر این باور است که خطاهایی که ریشه آنها در زبان دوم است، خطاهای «درون زبانی» و یا خطاهای «پیشرفتی» نامیده میشوند (جیمز، ۱۹۹۸: ۱۸۱). از نظر ریچارد (Richards) خطاهای درونزبانی یا پیشرفتی ناشی از یادگیری غلط یا ناقص قواعد زبان مقصد است. این خطاها که در نتیجه ساختار پیچیده زبان مقصد است ممکن است در اثر تعمیم یا تعمیم افراطی زبان مقصد ایجاد شود (ابرقویی، ۱۳۹۳: ۶۰).

این گروه از خطاهای زبانآموزان شامل «حرف جر + اسم»، «اسم + حرف جر»، «فعل + حرف جر»، «فعل + آن + فعل» و «فعل + آن + اسم» میشود، در زیر نمونههایی از این نوع خطا همراه با تحلیل آن بیان میشود:

۳-۲-۱ اسم + حرف جر

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	لا أستطيع أن أتحمّل الفراق من الأسرة	لا أستطيع أن أتحمّل الفراق عن الأسرة
۲	أعيش في بلاد التي مملوء عن الذنب	أعيش في بلاد التي مملوءة (مليئة) (من) بالذنب
۳	أصبحت مضطربة و قلبي مملوء عن القلق	أصبحت مضطربة (متوترة) و قلبي مملوء (من) بالقلق

حرف جر «من» و «عن» در زبان عربی غالباً با معنی حرف اضافه «از» در زبان فارسی برابری میکند، زبانآموز به علت وجود تشابه معنایی میان این دو حرف مرتکب خطا شده است. با توجه به این که به کارگیری این حروف قاعده خاصی ندارد و منحصر به استعمال گوشوران است، این امر سبب دشواری یادگیری و بروز خطا در زبانآموزان میشود. از دیگر موارد این خطا می توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۴	يجب علينا أن نجتهد للوصول على الأهداف المادية	يجب علينا أن نجتهد للوصول إلى الأهداف المادية
۵	يجب علينا أن استخدام من قوتنا إلى وصول على هذا الهدف	يجب علينا أن نستخدم قوتنا للوصول إلى هذا الهدف

در این نمونه زبانآموز برای بیان «رسیدن به» از ترکیب «الوصول على» استفاده کرده است که در انتخاب حرف جر دچار خطا شده است. «وصول» مصدر فعل «وَصَلَ» با حرف جر «إلی» کاربرد دارد، به نظر میرسد زبانآموز به دلیل تعدد معنایی حروف جر به خطا رفته است. در این جمله برای بیان «رسیدن و دست یافتن به هدف» میتوان علاوه بر ترکیب «وصول إلى» از ترکیب «حصول على» نیز استفاده کرد. شاید شباهت وزنی، معنایی و واجی میان دو واژه «حصول» و «وصول» سبب بروز خطا در انتخاب حرف جر مناسب شده است، همچنین در نمونه زیر، زبانآموز در یافتن معادل صحیح «ترس از» به خطا رفته است:

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۶	النجاح في المستقبل يرتبط إلى أعمالی وعدم الخوف عن المصائب	النجاح في المستقبل يعتمد على أعمالی وعدم الخوف من المصائب

معادل «ترس از» در زبان عربی «الخوف من» است. زبانآموز با جایگزینی حرف «عن» دچار خطا شده است. حرف «عن» و «من» معنای «از» میدهند، شباهت معنایی میان این دو حرف جر و عدم آگاهی زبانآموز از کاربرد صحیح حروف جر مختص سبب خطای این زبانآموز شده است.

۳-۲-۲ فعل + حرف جر

خطاهای «فعل + حرف جر» در سه دسته «حذف حرف جر»، «جایگزینی نادرست حرف جر» و «کاربرد زائد حرف جر» بررسی میشوند:

الف) حذف حرف جر

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	[هو] یصیب الإدمان الشديدة	[هو] أصيب بالإدمان الشديد بسبب الحزن الشديد لفقدان أسرته.
۲	[هي] أصابت الحمى	[هي] أصيبت بالحمى أو أصابها الحمى

فعل «أصاب» در حالت معلوم با اضافه شدن ضمیر به آن بدون حرف جر به معنای «مبتلا شدن» استعمال میشود، صورت مجهول فعل «أصاب» به همراه حرف جر "باء" نیز به معنای «دچار شدن» و «مبتلا شدن (به بیماری)» مورد استفاده قرار میگیرد، مانند: أصيب بالجراح. بنابراین جمله زبانآموز را میتوان به دو صورت زیر نوشت:

۱- أصابه الإدمان الشديد

۲- أصيب بالإدمان الشديد

این خطا ناشی از خود زبان عربی و فقدان دانش زبانی زبانآموز است. با توجه به اینکه زبانآموز مرحله به مرحله و طی زمان با زبان مقصد آشنا میشود، به نظر میرسد که به طور کامل با قواعد زبانی زبان مقصد آشنا نشده است. باید به این نکته توجه کرد که خطاهایی که زبانآموزان به دلیل دانش محدود یا عدم اطلاع از زبان مقصد مرتکب میشوند، نشاندهنده تلاش آنها در بهکارگیری زبان مقصد است.

ب) جایگزینی نادرست حروف جر

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	الشباب يخافون عن مستقبلهم	الشباب يخافون من مستقبلهم
۲	رايت الموجودة الخاصة مع خمسة أعين خفت عنها وهربت بسرعة	رايت مخلوقاً غريباً مع خمسة أعين خفت منه وهربت بسرعة
۳	أسافر مع عائلتي في الأماكن السياحية وزرت أصدقائي	أسافر مع عائلتي إلى الأماكن السياحية وأزور أصدقائي
۴	أخذت بهاتفتي وأخبرتة من الامتحان	أخذت بهاتفتي وأخبرتته بالامتحان
۵	أنا لا أهتم إلى الموضة ولا أتبعها	أنا لا أهتم بالموضة ولا أتبعها

در جمله شماره ۱ میتوان گفت که در زبان فارسی «فعل» ترسیدن همراه با حرف اضافه «از» به کار میرود. حرف جر مختص فعل «خاف» در زبان عربی «من» است. گویا زبانآموز با آگاهی

به اینکه باید از حرفی استفاده کند که معنای «از» داشته باشد، حرف «عن» را انتخاب کرده است. در واقع زبانآموز به دلیل تشابه معنایی میان حروف «من» و «عن» در انتخاب حرف جر مناسب مرتکب خطا شده است. این خطا که گویای پیچیدگی ساختار زبانی زبان مقصد است در نتیجه یادگیری ناقص قواعد و تعمیم آن حاصل شده است. در جمله شماره ۳ فعل «سفر کردن» در فارسی با حرف «به» و معادل آن در زبان عربی با حرف «إلى» کاربرد دارد، زبان آموز به دلیل ناآگاهی از حرف جر مختص افعال مرتکب خطا شده است.

در جمله شماره ۴ و ۵ حرف جر فعل «خبر دادن» و «اهمیت دادن» و معادل عربی آن، در زبان عربی و فارسی «به (باء)» است، ولی زبانآموز از حرف «من» و «إلى» استفاده کرده است، شاید به این دلیل که سعی داشته در دام شباهت ظاهری حرف جر عربی و حرف اضافه فارسی نیفتد.

ج) کاربرد زائد حرف جر

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	[الصورة] تشمل على السماء والشجرة والأرض والخضراء	[الصورة] تشمل السماء والشجرة والأرض الخضراء

فعل «شمل» به معنای «دربرگرفتن» در زبان عربی بدون حرف جر استعمال میشود و ثلاثی مزید آن [اشتمل] با حرف «على» نیز به معنای «دربرگرفتن» است. زبانآموز با تعمیم‌دهی نادرست، فعل «تشمل» را که بدون حرف جر میآید با حرف «على» همراه کرده است.

۳-۳ خطاهای مبهم

۳-۳-۱ اسم + حرف جر

ردیف	نمونه خطا	صورت صحیح
۱	بعد قبول في هذا الفرع، فرحت لأنتي يساعدي في فهم القرآن والنصوص العربية وتعليمها على الآخرين	بعد القبول في هذا الفرع فرحت، لأنه يساعديني في فهم القرآن والنصوص العربية وتعليمها بالآخرين

«تعليم» مصدر باب «عَلَّمَ» همراه با حرف جر «باء» و هم بدون حرف جر به معنای «آموزش دادن (به کسی چیزی را)» به کار میرود (آذرنوش، ۱۳۹۱: "ع ل م"). در واقع فعل «عَلَّمَ» همراه با حرف جر «باء» برای مفعول شئی و بدون حرف جر برای مفعول شخصی بهکار میرود. خطای زبانآموز ناشی از زبان مبدأ (فارسی) است؛ چرا که زبانآموز، گرچه از حرف جر «باء» به دلیل گریز از فارسی‌نویسی استفاده نکرده است، ولی از حرف «على» به عنوان معادلی برای حرف «به» استفاده کرده است و این خطا را میتوان ناشی از تأثیرپذیری زبانآموز از زبان مقصد (عربی) دانست؛ زیرا یکی از معانی حرف «على» در فارسی «به» است. از جهتی دیگر فعل «عَلَّمَ» همراه

با حرف «علی» در معنای «علامت زدن (بر چیزی)» نیز کاربرد دارد، با تعمیم معنی این فعل همراه حرف «علی» به معنی «آموزش دادن به» میتوان این خطا را از خطای درون زبانی نیز محسوب کرد. معانی مشترک میان حروف جر عربی و کاربرد یک فعل با چند حرف و تغییر معنی فعل همراه با تغییر حروف جر سبب دشواری زبان مقصد برای زبانآموزان شده است. از دیگر موارد خطاهای مبهم می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

۳-۲-۳ فعل + حرف جر

ردیف	نمونه خطا	ترجمه لفظ به لفظ	صورت صحیح
۱	قالت لي أستاذتي أنت حاذقة في الخياطة، استمري هذا العمل	استادم به من گفت: تو در خیاطی مهارت داری، این کار را ادامه بده	قالت لي أستاذتي أنت حاذقة في الخياطة، استمري في هذا العمل
۲	الإدمان على الهاتف يضر إلى جسد الإنسان و يضر إلى دماغ الإنسان	اعتیاد به تلفن همراه به جسم و مغز انسان آسیب می‌رساند	الإدمان على الهاتف يضر إلى جسد الإنسان و يضر إلى دماغ الإنسان

در نمونه ۱ فعل «استمّر» همراه با حرف جر «علی»، «فی» «ب» به معنی «ادامه دادن» و بدون حرف جر به معنای «ادامه یافتن» کاربرد دارد. زبانآموز ممکن است تحت تأثیر زبان فارسی حرف جر را حذف کرده باشد و هم این خطا میتواند از خطاهای پیشرفتی باشد؛ چراکه فعل «استمّر» بدون حرف جر نیز در زبان عربی کاربرد دارد. در جمله شماره ۲ فعل «ضر» همراه حرف «باء» و هم بدون حرف جر معادل «آسیب رساندن» در زبان فارسی است، بنابراین اگر صورت صحیح فعل را بدون حرف جر در نظر بگیریم زبانآموز به علت کاربرد زائد حرف جر دچار خطای میانزبانی شده است؛ چراکه فعل «آسیب رساندن» در زبان فارسی با حرف «به» همراه است و اگر صورت صحیح فعل را همراه حرف جر «باء» در نظر بگیریم در این صورت زبانآموز به علت جایگزینی نادرست حرف جر دچار خطای درون زبانی شده است.

۴- نتیجه

با بررسی ۲۰۰ برگه از انشاهای عربی‌آموزان دانشگاه اصفهان که در ترم ۵ زبانآموزی بودند ۹۳ خطای باهمایی شناسایی گردید. خطاها با بهره‌گیری از مدل بنسون به دو گروه واژگانی و دستوری تقسیم‌بندی شدند، سپس خطاهای باهمایی دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از بررسی خطاها با توجه به عوامل ایجاد خطا یک دسته از خطاهای زبانآموزان از منظر منشأ در خطا در مقوله «بینازبانی» قرار گرفت که این خطاها ناشی از تداخل زبانی است. در واقع در رابطه با این خطاها این تبیین وجود دارد که زبانآموز فارسی‌زبان با توجه به زمینه قبلی که در ذهن خود داشته مرتکب این نوع خطاها در جملات عربی شده است؛ مسائلی مانند قراردادی بودن باهمایی در هموقوعی باهم، قابلیت پیش‌بینی کم، تعمیم‌دهی پایین آنها و همچنین دانش زبانی پایین زبانآموزان

باعث میشود زبانآموزان از مهارتهای قبلی خود استفاده کنند و در نتیجه به واژگان و ساختارهای زبان مادری خود رجوع کنند و مشکل خود را در برقراری ارتباط برطرف سازند. در این رابطه ۵ نوع خطا تشخیص داده شد که شامل خطای «حرف‌جر + اسم»، «اسم + حرف‌جر»، «فعل + حرف‌جر»، «فعل + آن + فعل»، «فعل + آن» بود. ۶۰٪ از خطاهای زبانآموزان منشأ بینازبانی داشتند. بیشترین بسامد آن مربوط به خطای «فعل + حرف‌جر» میشود.

دسته دیگری از خطاهای زبانآموزان از منشأ در مقوله درونزبانی یا پیشرفتی قرار می‌گیرند. این نوع خطاها که در نتیجه یادگیری غلط یا ناقص زبان مقصد حاصل میشوند، ناشی از پیچیدگی زبان مقصد (عربی) است. در این رابطه ۴ نوع خطا تشخیص داده شد که شامل خطای «اسم + حرف‌جر»، «فعل + حرف‌جر» بود. ۳۲٪ خطا منشأ درونزبانی داشتند تعمیم‌دهی نادرست، عدم آگاهی در زمینه واژگان و قواعد زبان عربی، وجود حروف هم‌معنا و عدم آگاهی از کاربرد آنها در بافتهای مختلف را میتوان از مهمترین عوامل خطاهای باهمایی با منشأ درونزبانی دانست.

در نهایت دسته دیگری از خطاها تحت عنوان خطاهای مبهم شناسایی شدند. این خطاها هم منشأ درونزبانی و هم منشأ بینازبانی دارند. ۶٪ از خطاها به خطاهای مبهم اختصاص یافت که در دو مقوله «اسم + حرف‌جر»، «فعل + حرف‌جر» دسته بندی شدند.

متناسب با خطاهایی که شناسایی شد انتظار میرود در منابع آموزشی و محتوای تدریس زبانآموزان بازنگری گردد و در راستای کاهش خطاهای باهمایی زبانآموزان تمرینها و فعالیتهای کلاسی مناسب طراحی شود و در تدوین کتابها و منابع آموزشی لحاظ گردد. یافته پژوهش در قالب نمودار زیر قابل ارائه است:



- آذر نوش، آذرتاش (۱۳۶۶). آموزش زبان عربی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- آذر نوش، آذرتاش (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی- فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور. تهران: نشر نی.
- استوار ابرقوئی، عباس (۱۳۹۳). «بررسی خطاهای نحوی عربزبانان در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی». پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بوقدح، هشام (۲۰۰۸-۲۰۰۹م). «ترجمة المتلازمات اللفظية إلى اللغة الفرنسية الربع الأول من القرآن الكريم أنموذجا دراسة تحليلية نقدية». رسالة الماجستير، جامعة منتوري قسنطينة.
- پناهی، ثریا (۱۳۸۱). «فرایند باهمایی و ترکیبات باهمآیند در زبان فارسی». نامه فرهنگستان، ۱۹: ۱۹۹-۲۱۱.
- پورهادی نجفآبادی، علیرضا (۱۳۸۸). «بررسی جنبههایی از پدیده باهم آیی در زبان فارسی». پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- داود، محمد محمد (۱۴۲۳ق). القرآن الکریم والتفاعل المعانی. القاهرة: دار غریب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). المفردات فی غریب القرآن. ج ۲، برگردان و تحقیق: دکتر سید غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- زرکوب، منصوره (۱۳۸۸). روش نوین فن ترجمه. ج ۲. اصفهان: انتشارات مانی.
- ژیرار، دنی و روبر گالیسون (۱۳۶۶). زبانشناسی کاربردی و علمآموزی. برگردان الله وردی آذری نجفآبادی، واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی.
- شریفی، شهلا؛ و سریرا کرامتی یزدی. بررسی اهمیت باهمآییهای واژگانی زبان فارسی در امر آموزش زبان فارسی به غیر فارسیزبانان. برگرفته از: <http://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1008017.html>
- طاهر زاده، میترا؛ محمود الیاسی، و عطیه کامیابیگل (۱۳۹۴). «بررسی خطاهای نوشتاری فارسیآموزان عربزبان سطح میانی خطاهای واژگانی بر مبنای چارچوب جیمز». سومین همایش ملی زبانشناسی و آموزش زبان فارسی.
- کاظمی نجف آبادی، سمیه (۱۳۸۸). «بررسی و مقایسه حروف جر و اضافه (در زبانهای عربی و فارسی)». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عبدالمسیح، جورج متري؛ و هانی جورج تابري (۱۹۹۰م). الخلیل: معجم المصطلحات النحو العربی. بیروت: مکتبة لبنان.
- مدرس خیابانی، شهرام (۱۳۸۶). «بررسی باهمایی واژگانی در زبان فارسی». پایاننامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- معصومی، رویا (۱۳۹۰). «بررسی اهمیت آموزش باهم آییهای واژگانی در آموزش زبان فارسی
- به غیرفارسی زبانان». پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- المکی، میسرأحمد (۱۳۸۴). نظریات تعلّم اللغة الثانية وکيفية الإفادة منها لتقویم و تطویر تعلیم العربية كلغة ثانية. مجموعه مقالات همایش مدیران گروههای عربی دانشگاه اصفهان، ۲.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱). روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- Benson, M. (1989) "The structure of the collocational dictionary",
International Journal of Lexicography
Corder, S. P. (1981), Error Analysis and Interlanguage, Oxford: Oxford
University Press.
- James, C. (1998), Errors In Language Learning And Use: Exploring Error
Analysis, England: Pearson Education.
- Richards Jack (1970) Error Analysis and Second Language Strategies in
Focous on Learner , Newbarry Hause INC.